

# کارگران همه کشورها متحد شوید!

مبارزه طبقه کارگر میهن مان علیه برنامه‌های ضد کارگری و سمت‌گیری اقتصادی - اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی با وجود مانع‌های ایجاد شده از سوی استبداد ولایی مانند جلوگیری از احیا و ایجاد سندیکاها، مستقل کارگری، سرکوب، زندان، تهدید، ارباب و اخراج کارگران

به شکل‌هایی گوناگون ادامه یافته‌اند. اخیراً موضوع افزایش دادخواست‌های کارگری در صدر خبرهای کارگری کشور قرار گرفته است. علت افزایش تعداد دادخواست‌های کارگری چیست و ریشه آن در کجاست؟! افزایش دادخواست‌های کارگری به هیئت‌های تشخیص و حل اختلافات کارگری، نمونه‌ای از اعتراضات گسترده کارگران و زحمتکشان به اجرای برنامه تعدیل ساختاری با محوریت خصوصی سازی و مقررات‌زدایی است. پیامد اجرای این برنامه ویرانگر عبارت است از کاهش یا به تعویق افتادن دستمزدهای ناچیز، افزایش حوادث کاری، تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضا، کمبود امکانات و ایمنی کار برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها و سودورزی با حضور پیمان کاران. انتشار رسمی آمار افزایش دادخواست‌های کارگری خود نشان دهنده نارضایتی و جنب‌وجوش مبارزاتی‌ای در مراکز مختلف کارگری سراسر کشور است. بنابراین، با توجه به رشد اعتراضات سیاست ارباب و اخراج کارگران نیز از سوی کارفرمایان با حمایت رژیم اوج گرفته است. افزایش دادخواست‌ها بازتاب این فضای پرتشنج یا به عبارت دقیق‌تر مبارزه جبهه کار با جبهه سرمایه در میهن مان است.

بنا بر متن قانون کار مصوب ۲۹ آبان‌ماه سال ۱۳۶۹، فصل نهم، ماده ۱۵۸، ترکیب اعضای شرکت‌کننده و تصمیم‌گیرنده در هیئت‌های تشخیص و حل اختلافات از افراد زیر تشکیل می‌شود:

ادامه در صفحه ۳

## چرا دادخواست‌های کارگری افزایش یافته است؟

نامه  
ضمیمه  
کارگری  
مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۲، ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۰



## مطالبه‌های کارکنان بخش بهداشت و درمان کشور و سیاست دولت رئیسی

واکنش دولت رئیسی به گسترش اعتصاب‌ها و اعتراض‌های زحمتکشان از جمله پرستاران، تهدید آنان، و دادن وعده‌هایی کاملاً بی‌پایه بوده‌اند. به عنوان نمونه، روز ۵ آبان‌ماه، وزیر کار سردار علی حسین رعیتی فرد - رئیس سازمان بسیج کارگری - را به سمت معاون روابط کار خود منصوب کرد، و سپس در اولین جلسه شورای اشتغال با حضور رئیسی، ایجاد یک میلیون و هشتصد هزار فرصت شغلی ظرف ۱۷ ماه را وعده داد. نشریه آرمان ملی، ۸ آبان‌ماه، در این مورد نوشت: "آقای وزیر! یا بیکاری را نمی‌شناسید یا عدد؟" قبلاً رئیس کل سازمان نظام پرستاری از کمبود حداقل ۱۰۰ هزار پرستار و استخدام صرفاً حدود ۱۳ هزار پرستار خبر داد. بر اساس گفته دبیرکل خانه پرستار، به‌زای هر تخت باید ۲/۵ کادر پرستاری وجود داشته باشد، در صورتی که میزان پرستار نسبت به تخت در سال ۱۳۹۹ حدود ۰/۷ کادر بود و پرستاران باید اضافه‌کاری‌هایی اجباری انجام می‌دادند. روز ۲۶ مهرماه نیز یک عضو شورای عالی سازمان نظام پرستاری از اجرایی نشدن قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری ۱۴ سال بعد از تصویب قانون در مجلس خبر داد و استفاده از نیروهای طرحی، شرکتی، و قراردادی را اقدامی برای فرار از استخدام رسمی پرستاران عنوان کرد. او مشکلات اقتصادی پرستاران را علت مهاجرت آنان عنوان کرد. کارکنان شرکتی پایگاه‌ها و مراکز خدمات جامع سلامت استان قم زیر مسئولیت ۱۷ مرکز خصوصی در مراکز درمانی استان به صورت خرید خدمتی مشغول به کارند. این زحمتکشان روز ۲۵ مهرماه ۱۴۰۰ از دریافت یک چهارم دستمزد رسمی‌ها به ایننا خبر دادند و گفتند: "از تبعیض و بی‌عدالتی به‌سزوه آمده‌ایم." آنان خواستار تبدیل وضعیت شغلی‌شان هستند و قبلاً تجمع‌هایی اعتراضی در مقابل مجلس در تهران و دفتر نماینده مجلس در قم برگزار کرده و نامه‌هایی نیز به دفتر ریاست جمهوری و وزیر بهداشت ارسال کرده‌اند. روز ۹ آبان‌ماه پرستاران از راه‌اندازی کارزاری گسترده برای "اجرای تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری" با چند هزار عضو فعال خبر دادند.

تشکیل شرکت‌های پیمانکاری و بهره‌کشی وحشیانه از پرستاران تنها راه دستیابی کارگران رژیم ولایی در وزارت بهداشت به سوده‌های کلان نبوده و نیست. در سال‌های اخیر ما تشدید نایاب شدن برخی از داروها در داروخانه‌های رسمی کشور، و به مدت کوتاهی بعد، از ظاهر شدن همان داروها در بازار سیاه با قیمتی بالاتر را شاهد بوده‌ایم. روز ۲۴ مهرماه ۱۴۰۰، روزنامه همدلی از "داروخانه‌داری ۱۰۰۰ مقام دولتی" و مالکیت هزاران داروخانه از سوی مقام‌های دولتی خبر داد. بر اساس همین گزارش، در سال ۱۳۸۰ فقط ۵۹۱۸ داروخانه در سراسر کشور وجود داشت که این تعداد به حدود ۱۱۲۵۳

ادامه در صفحه ۳

## تأملی بر جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان و وظیفه مبارزان سندیکایی در مرحله کنونی

مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه اجرای برنامه تعدیل ساختاری با محوریت خصوصی سازی و آزادسازی اقتصادی، لاجرم موضوع پراهمیت‌ترمیم مزد را نیز به یکی از مباحث حاد و چالش‌برانگیز در سپهر سیاسی میهن ما بدل کرده است. افزایش سرسام‌آور نرخ کالاها و خدمات همگانی و رشد تورم بیش‌ازپیش زندگی خانوارهای کارگری و به‌طورکلی توده‌های تهیدست جامعه را زیر تأثیر مخربش قرار داده است. بر پایه برآوردهای رسمی فقط در شش ماه نخست امسال هزینه حداقلی زندگی نزدیک به ۶۰ درصد افزایش داشته، این درحالی است که در مذاکرات پیشین شورای عالی کار پیرامون مزد سال جاری سبد معیشت خانوارهای کارگری ۶ میلیون و ۸۹۵ هزار تومان محاسبه شده بود. این بدان معناست که کارگران و زحمتکشان کشور با دستمزد کنونی حتی نمی‌توانند نیازهای اولیه زندگی‌شان را به‌طور بایسته تأمین کنند. این وضعیت با توجه به گزارش سازمان برنامه‌بودجه دولت پیشین که چندی قبل منتشر شد و حاکی از آن است که مسئله ورشکستگی دولت با ادامه تحریم‌ها همراه با بحران بدهی‌های دولتی بسیار جدی است، نشانگر وخامت وضع معیشت زحمتکشان است. در نظر بگیریم که در این اوضاع به‌شدت بحرانی دولت

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی سازمان دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد  
ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، سرکوب حقوق صنفی و برای تشکیل سندیکاها  
مستقل کارگری!



به‌زعم خودشان می‌خواهند فرصت فعالیت در عرصه صنفی-رفاهی را هم از کف ندهند. باید یادآوری کنیم مجموعه عامل‌های ذهنی و عینی نشان می‌دهد برای آنکه بتوان پورش حکومت جمهوری اسلامی را پس زده و مانع به‌یغما رفتن دستاوردهای تاریخی و منافع

طبقه کارگر شویم، می‌باید در همه عرصه‌ها با طرح شعارهایی واقع‌بینانه مبارزه برای تشکل و سازماندهی منسجم طبقه کارگر را تشدید کرد. در این عرصه استفاده از همه امکانات و روزه‌ها اهمیت دارد. دیدگاه دیگری نیز هم‌اکنون در حرکت‌های سندیکایی وجود دارد که بدون ارزیابی واقع‌بینانه از توازن قوای موجود میان جبهه کار و جبهه سرمایه به‌سرکردگی استبداد ولایتی بدون توجه به توان موجود در جنبش کارگری بر ادامه اعتراض‌ها بدون ارتقای سطح سازمان‌دهی پافشاری می‌کند. این دیدگاه برخلاف اصول مبارزات سندیکایی با ایجاد به‌اصطلاح کمیته رهبری در فضای مجازی در پی اعمال نظرات خود در جنبش اعتراضی زحمتکشان است. چنین دیدگاهی با محدود شدن در فضای مجازی ارتباط مستقیم و مؤثر با توده‌های کارگر در سطح کارخانه‌ها و کارگاه‌ها را نادیده گرفته و خواسته یا ناخواسته به امر رشد و ارتقای مبارزه و اعتصاب‌های کارگری لطمه وارد می‌آورد. در مقطع زمانی کنونی بی‌گمان ارتباط با توده‌های کارگر و دوری از ذهنی‌گرایی جزو مهم‌ترین وظیفه‌های مبارزان راستین جنبش کارگری و سندیکایی است. بنابراین، تأکید چندباره بر ضرورت وحدت سندیکایی در عین حفظ نظرات، فوق‌العاده اهمیت داشته و وظیفه‌ای جدی است. برای مقابله با پورش‌های حکومت جمهوری اسلامی می‌باید بر امر وحدت سندیکایی نه در حرف بلکه در عمل پایبند بود. خواست احیای حقوق سندیکایی در مقام مهم‌ترین خواست طبقه کارگر و زحمتکش میهن ما آن حقیقتی است که باید در کلیه عرصه‌های مبارزه آن را به‌بیش برد و توده‌های کارگر را هرچه بیشتر با آن آشنا ساخت. تجربه اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و همچنین تجربه مبارزه کارگران هفت‌تپه، اعتراض‌های فرهنگیان و کارگران پالایشگاه‌های کرمانشاه به ما نشان می‌دهد برای آنکه به‌دور از هرگونه ذهنی‌گرایی تأمین حقوق زحمتکشان را سرلوحه فعالیت‌مان قرار دهیم دوری کردن از فرقه‌گرایی و وظیفه و مسئولیتی حیاتی است. مبارزات سالیان اخیر به‌ویژه چند ماه گذشته ناکارآمدی طرح‌هایی مانند "تشکل مجمع عمومی" به‌جای خواست حقوق سندیکایی در عمل در راستای رشد و ارتقای سطح مبارزاتی جنبش کارگری کرده است. همچنین هم‌سویی یا تشکل‌های زرد حکومتی و چشم امید داشتن به این مقام با آن مقام برای تأمین حقوق کارگران در جهت منافع زحمتکشان نبوده و نخواهد بود. در این زمینه فراموش نباید کرد ایجاد فضا برای تبلیغ طرح‌ها و شعارهای نادرست و ناکارآمد و بستن و محدود ساختن فضا برای شعارهای صحیح مانند خواست احیای حقوق سندیکایی از سوی رژیم ولایت فقیه با دقت تمام در حال انجام بوده و هست. نکته مهم دیگری که باید در همین زمینه‌ها به آن توجه داشت برنامه چندلایه حکومت جمهوری اسلامی در برابر جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی است.

در اوضاع بحرانی کنونی یکی از آماج سیاست‌های نهادی‌های امنیتی رژیم تخریب توان مبارزاتی یا به‌بیان‌دیگر تخلیه انرژی اعتراض‌های کارگری برای مهار و جلوگیری از رشد اعتصاب‌هاست. در کنار این سیاست ما شاهد ایجاد فضای ارباب، تهدید و همراه آن تطمیع و فرسایشی کردن جنبش اعتراضی به‌قصد ناکارآمد نشان دادن مبارزات سندیکایی هستیم. همان‌گونه که اشاره کردیم، برنامه مهار و کنترل جنبش کارگری جنبه‌هایی گوناگون دارد. پیش کشیدن طرح اصلاح قانون شوراها و شوراهای اسلامی هم‌زمان با تهدید سندیکالیست‌ها و انسداد فعالیت‌های سندیکالیست‌های راستین از دیگر جنبه‌های برنامه مهار و کنترل جنبش کارگری در این مقطع زمانی است. موضوع مهم دیگر استقلال عمل طبقاتی در مبارزات جاری است. یادآوری این نکته اهمیت اساسی دارد که: در جنبش اعتراضی ضمن وحدت سندیکایی در هرگام و مرحله مبارزه، ضرورت دارد بر اصل استقلال عمل طبقاتی تأکید دوچندان داشت.

کوتاه‌سخن، باید متحد و متشکل بر پایه اصل وحدت سندیکایی و استقلال عمل طبقاتی با پورش واپس‌گرایان مقابله کنیم. در این تقابل و هم‌آوردی مهم و تاریخی جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی وظیفه‌هایی خطیر بر دوش دارند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها پیوند با مبارزه همگانی و سراسری ضد دیکتاتوری است که ما در این‌باره به‌تفصیل سخن گفته‌ایم و باز هم بر آن تأکید خواهیم کرد.

## ادامه زحمتکشان برای دستیابی به مطالبه خود ...

رئیس برنامه آزادسازی قیمت‌ها و آزادسازی نرخ ارز را در اولویتش قرار داده است.

موضوع‌ترمیم مزد برای سال جاری و چگونگی افزایش دستمزدها برای سال آینده با مبارزه دامنه‌دار طبقه کارگر علیه خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی بی‌ارتباط نیست. از این‌روی، برخلاف تصور و میل حکومت جمهوری اسلامی به‌ویژه دولت ابراهیم رئیسی، جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی فریب مانورها و وعده‌های بی‌پشتوانه را نخورده و اعتراض‌های کارگری-هرچند کم‌اکنان به‌صورت پراکنده- ژرفش و گسترش یافته است. هم‌زمان با ده‌ها اعتصاب و اعتراض‌های بزرگ و کوچک در سراسر کشور، دولت، قوه قضائیه، و مجلس به‌چند اقدام مبادرت ورزیده و سیاست‌هایی معین را به‌پیش می‌برند. یکی از این اقدام‌ها که ارتباط مستقیم با منافع طبقه کارگر و زحمتکشان دارد، طرح وزیر کار برای حل معضل صندوق‌های بازنشستگی و مجموعه سازمان تأمین اجتماعی است. عبدالملکی در نشست با اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس بر طرح اصلاح قوانین حوزه تعاون با محوریت اصلاح مدیریت صندوق‌ها و شرکت‌های ذیل سازمان تأمین اجتماعی تأکید کرد و آن را "یک جراحی" نامید. مواضع وزیر کار و طرح ارائه‌شده از سوی او بدان معناست که طرح اصلاحات پارامتریک قوانین تأمین اجتماعی هم‌زمان با برنامه آزادسازی مزد اجرا خواهد شد. در نخستین گام وزارت کار اعلام کرد شرکت‌های جدیدی از زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی در بازار بورس به‌فروش خواهند رسید. هم‌زمان با این برنامه وزارت کار خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران با انتشار گزارشی مدعی شد شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی - شستا- فقط طی یک ماه با کاهش سی هزار میلیاردی ارزش سهام روبرو شده و وضعیت این شرکت سرمایه‌گذاری بحرانی ارزیابی می‌شود. علاوه بر این، مطابق گزارش‌ها، وزارتخانه‌های کار، اقتصاد، صنعت و سازمان برنامه‌بودجه با کمیسیون‌های مختلف مجلس در حال رایزنی به‌منظور طرح دوباره اصلاح قانون کار هستند. طرح "موکب اشتغال محرومان" که در ظاهر برای حل مشکل بیکاری از سوی وزیر کار مطرح گردیده، یکی از اقدام‌های حساب‌شده با هدف زمینه‌سازی برای اصلاح و حذف قانون کار است. در این طرح در حقیقت نه از قانون کار خبری خواهد بود و نه از قوانین حمایتی بیمه و دست کارفرمایان در مقام "متولی اشتغال و تأمین‌کننده مکان کسب‌وکار" برای استخدام نیروی کار باز است. تمامی این طرح‌ها و برنامه‌هایی نظیر آن‌ها با پوشش عوام‌فریبانه خیریه و صدقه در ذیل راهبرد ضد ملی برنامه تعدیل ساختاری می‌گنجد. آماج پایانی این‌گونه برنامه‌ها تأمین امنیت سرمایه و مهیا ساختن نیروی کار ارزان و مطیع است. این پورش دقیقاً محاسبه‌شده که زیر پوششی از عوام‌فریبی در حال انجام است با تحول‌های صحنه سیاسی و فعل و انفعال در آرایش سیاسی کشور بدون ارتباط نیست. برای حکومت جمهوری اسلامی تأمین و تضمین حفظ "نظام" و نه از تحمیل بار بحران بر دوش تهی‌دستان جامعه به‌ویژه کارگران و زحمتکشان جز با اجرای همه‌جانبه برنامه آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی امکان‌پذیر نیست. حاکمیت با اجرای این برنامه و پورش‌های پی‌درپی به حقوق طبقه کارگر و لایه‌های تهی‌دست جامعه از سویی لایه نازک اما فربه و قدرتمند از نظر سیاسی و مالی حامی‌اش را تقویت کرده و انباشت سرمایه به‌بهای فقر گسترده را برای کلان سرمایه‌داری ایران خصوصاً لایه‌های غیرمولد و انگلی تضمین می‌کند، از دیگر سو با این برنامه مجاری ارتباط با امپریالیسم را حفظ و بر انجام نقش خود در تقسیم کار سرمایه‌داری جهانی تأکید می‌کند. دولت ابراهیم رئیسی با فرمان ولی فقیه اجرا‌کننده این سیاست راهبردی ضد مردمی و ضد ملی است. نکته‌ای که باید به آن توجه جدی داشته باشیم این است که در ورای تبلیغات کرکننده و مانورهای فریبنده مانند خلع‌ید از بخش خصوصی و صدور احکام قضایی برای افراد فاسد و رانت‌خوار مانند رئیس سابق بانک مرکزی و مالک هفت‌تپه، باید هراس رژیم ولایت فقیه از خیزش‌های مردمی و کوشش بی‌گیرانه‌اش برای مهار جنبش کارگری را دید و تشخیص داد. دولت رئیسی و به‌طریق اولی حکومت جمهوری اسلامی همان سیاست‌های ضد مردمی اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری را اجرا می‌کنند و بر آن جامعه عوام‌فریبی می‌دوزند.

با توجه به آنچه در بالا اشاره کردیم، تأملی بر برخی دیدگاه‌ها و سیاست‌ها در جنبش اعتراضی زحمتکشان و حرکت‌های سندیکایی خالی از فایده نخواهد بود. برخلاف برخی دیدگاه‌ها در حرکت‌های سندیکایی حاضر که تلاش می‌ورزند مستقیم یا غیرمستقیم با فاصله گرفتن از سیاست اصولی تشدید مبارزه، ارتقای سطح سازمان‌دهی، و بهره‌گیری از سلاح اعتصاب،

## آیا رتبه‌بندی معلمان به اجرا در می‌آید؟



بار دیگر در اوایل آبان‌ماه جمع کثیری از معلمان شاغل و بازنشسته مبارز از استان‌های سیستان و بلوچستان، قم، البرز، تهران، اصفهان، خوزستان، مازندران، و فارس به تهران آمده و با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل مجلس همراه با گروهی از خدمتگزاران مدارس، خواستار اصلاح و اجرای رتبه‌بندی و افزایش دستمزد شدند. در سه ماه اخیر ما شاهد تجمع‌های سراسری هماهنگ فرهنگیان مبارز کشورمان با فراخوان قبلی و در ده‌ها شهر کشور بوده‌ایم. مهم‌ترین خواسته‌های فرهنگیان پایان دادن کارگزاران رژیم به پرونده‌سازی و اخراج و زندان فعالین شاغل و بازنشسته فرهنگی، توقف خصوصی‌سازی و برون‌سپاری آموزش، ارائه آموزش و گوشی و تبلت و اینترنت رایگان به تمام دانش‌آموزان، حق ایجاد تشکل‌های مستقل بی‌قید و شرط، ارتقاء وضع معیشتی معلمان با توجه به تورم روز افزون، اصلاح لایحه رتبه‌بندی بازرگاری شده در مجلس و افزایش حقوق و مزایای هر فرهنگی حداقل تا هشتاد درصد حقوق و مزایای اعضای هیئت علمی دانشگاه، اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری، همسان‌سازی کامل حقوق بازنشستگان، و پایان دادن به استعمار معلمان خرید خدمات آموزشی بود. روز ۹ آبان‌ماه، رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس وعده نهایی شدن طرح رتبه‌بندی حداکثر تا ۴۵ روز آینده را داد. باید تاکید کرد تحقق این وعده در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

در گفتگویی با ایلنا، روز ۱۱ مهرماه یک فعال صنفی معلمان ماده هفتم لایحه جدید رتبه‌بندی را تیر خلاص به رتبه‌بندی خواند. او همچنین گفت که در لایحه قبلی قرار بود حقوق معلمان به میزان حداقل حقوق اعضای هیئت علمی دانشگاه افزایش یابد و رتبه‌های معلمان با رتبه‌های اساتید دانشگاه هم‌تراز گردد؛ اما در لایحه فعلی، "حداقل هشتاد درصد" به "هشتاد درصد حداقل حقوق اعضای هیئت علمی" تبدیل شده است. در حالیکه تورم کنونی نزدیک به ۵۰ درصد، تورم انتظاری ۶۰ درصد، و خط فقر در کشورمان ۱۳ میلیون تومان در ماه است، برای جبران کمبود معلم در مناطق محروم و روستایی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، وزارت آموزش و پرورش استفاده از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با مدرک لیسانس به بالا و تحت عناوین معلمان آزاد، سرباز معلم‌ها، خرید خدمات آموزشی، حق التدریس و معلمان برون‌سپاری خبر داد. این معلمان زیر نظر پیمانکار بخش خصوصی کار می‌کنند. دستمزد این معلمان کمتر از دستمزد یک کارگر ساده است و به صورت ساعتی و بیشتر اوقات در آخر سال پرداخت می‌شود. دریافتی این معلمان بین ۵۰۰ هزار تومان تا ۲ میلیون تومان در ماه است و برای بسیاری از معلمان ماهیانه فقط ۱۰ روز بیمه رد می‌شود. شکاف طبقاتی در آموزش، ترک تحصیل کودکان و نوجوانان به‌ویژه در میان لایه‌های محروم جامعه، سقوط سطح آموزش، تحمیل نظرات ارتجاعی به نظام آموزشی، سقوط سطح زندگی فرهنگیان و سرکوب و تهدید فعالان سندیکایی معلمان از زمره پیامدهای سیاست آموزشی رژیم ولایت‌فقیه است. باید با مبارزه و حمایت قاطع از اعتراض‌های فرهنگیان به این اوضاع اسفناک پایان داد.

## ادامه چرا دادخواست‌های کارگری ...

۱. یک نفر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی؛ ۲. یک نفر نماینده کارگران به انتخاب کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان؛ ۳. یک نفر نماینده مدیران صنایع به انتخاب کانون انجمن‌های صنفی کارفرمایان استان.

با نگاهی به ترکیب اعضای هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف، به‌آسانی می‌توان مشاهده کرد که در این هیئت‌ها، نماینده واقعی منتخب کارگران یا نماینده‌ای از سندیکاهای کارگری که حامی واقعی منافع کارگران باشند، حضور ندارد و اصولاً بنا به اراده استبداد ولایتی جایی برای حضور سندیکاهای کارگری در قوانین مورد توجه قرار نگرفته است.

بر پایه گزارش ایلنا، ۱۹ مهرماه ۱۴۰۰، در تمام استان‌های کشور تعداد دادخواست‌های کارگری با افزایش روبرو بوده است. به گفته مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان قزوین فقط در این استان از ابتدای سال جاری تا کنون یک‌هزار و ۵۱۸ دادخواست کارگری مورد رسیدگی قرار گرفته که نسبت به دوره مشابه قبل در استان ۱۶ درصد رشد داشته است. او می‌گوید: در رسیدگی به این پرونده‌ها بیشترین تأکید ما بر حل و فصل پرونده‌ها طبق مصالحه و سازش است. آیا مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان قزوین حقیقت را بیان می‌کند؟ یا در این میان قصد جانب‌داری از منافع کارفرمایان را دارند که تأکید می‌کند، حل و فصل پرونده‌ها بیشتر طبق مصالحه و سازش انجام گیرد.

خروجی و آرای صادر شده در اکثریت خود مغایر با مدعیات مسئولان وزارت کار است. رژیم ولایت فقیه مانع بزرگی بر سر راه احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری است و طبقه کارگر میهن‌مان را در استفاده از این ابزار مهم مبارزات صنفی محروم کرده است و ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری را بر ضد منافع خود می‌داند. مسئولان رژیم ولایت فقیه، به‌ویژه وزارت کار، با همدستی شوراهای اسلامی کار، کارگران و زحمتکشان را بدون حمایت و پشتیبانی از جانب سندیکاهای مستقل کارگری به سمت و سویی هدایت می‌کنند که درب خروجی آن مصالحه و سازش به‌زیان حقوق و منافع طبقاتی آنان است.

## ادامه مطالبه‌های کارکنان بخش بهداشت و ...

داروخانه در سال ۱۳۹۷ افزایش پیدا کرد. بود؛ و افرادی هم هستند که مالکیت صدها داروخانه را در اختیار خود دارند. مطابق بررسی‌های دیوان محاسبات کشور، از حدود ۱۳ هزار داروخانه فعال در سراسر کشور، مؤسس ۸۱۲ داروخانه کارکنان بخش دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی بوده و "مؤسس ۲۲۱ داروخانه نیز از کارکنان شاغل در پست‌های حاکمیتی سیاست‌گذاری، صدور مجوز و نظارت بر امور دارو هستند." روز ۱۲ مهرماه سال جاری، با خواسته تسریع در اجرایی شدن آیین‌نامه فعالیت داروخانه‌ها و اجرای حکم دیوان عدالت در زمینه برداشته شدن ممنوعیت‌های راه‌اندازی داروخانه، فارغ‌التحصیلان داروسازی تجمعی اعتراضی مقابل وزارت بهداشت برگزار کردند. معترضان خواهان "حذف تمام قوانین انحصارگرانه و حداقل فاصله و رانت و حداقل امتیاز در اعطای مجوز داروخانه" شدند. فارغ‌التحصیلان داروسازی بر ممانعت از داشتن بیش از یک داروخانه توسط هر "فردی داروساز و غیر داروساز" تأکید و اعلام کردند: "مجوزها با نرخ‌های بالا میان داروخانه‌داران قدیمی و افراد دارای نفوذ در نظام درمان، دست به‌دست و با نرخ‌های نجومی عرضه می‌شوند." در این زمینه باید متذکر شد در داروخانه‌های موجود به‌ویژه داروخانه‌های با مالکیت وابستگان نظام هیچ حق و حقوقی برای کارکنان وجود ندارد. سطح مزد، میزان مزد، ساعات کار، اضافه‌کاری، و حق بیمه همه تابع اراده مالکان حکومتی داروخانه‌هاست. دولت رئیسی در راستای اجرای اقتصاد مقاومتی نه مایل و نه توان برآورده ساختن مطالبه‌های به‌حق کارکنان بخش بهداشت و درمان خصوصاً پرستاران است.



اختلاف در پرداخت دستمزد به مقدار ۶۴۲ یورو در ماه رسیده است. در این ده سال گذشته تنها ۷۷ یورو از این شکاف عظیم دستمزد کاسته شده است. اگر یکسان سازی دستمزدها بخواهد به همین شکل و شیوه ادامه پیدا کند، این نابرابری به مدت ۸۳ سال ادامه خواهد یافت و تنها در سده بیست و دوم میلادی یعنی در سال ۲۱۰۴، پرداخت دستمزدهای مساوی در برابر کار مساوی در کارگاه‌های ساختمانی غرب و شرق آلمان خواهد شد.

تضاد اصلی‌ای که هم به کارگران در شرق و هم به کارگران در غرب آلمان مربوط می‌شود، رشد مداوم ساخت‌وساز در صنعت ساختمان و رونق آن در کنار افزایش نیافتن متناسب مزد و مزایای کارگران در قیاس با این رونق اقتصادی ساختمان‌سازی در آلمان است. از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۰ میلادی درآمد این بخش از صنعت ۹۳ درصد افزایش داشته است. در این بازه زمانی دستمزدها تنها ۲۶ درصد افزایش پیدا کرده‌اند و به قدرت خرید کارگران این صنعت پس از کسر نرخ تورم فقط ۱۱ درصد افزوده شده است، و همین درصد ناچیز افزایش دستمزد با افزایش اجاره‌های مسکن در بسیاری از مناطق کشور، سریعاً بلعیده شد. در نتیجه این روند ناعادلان، بسیاری از زحمتکشان که در ساخت مسکن نقشی فعال و اجتماعی ایفا کرده‌اند، اکنون خود از عهده خرید یا اجاره همان مسکن‌ها برنمی‌آیند. علاوه بر این‌ها، باید به حجم بالای کار در این بخش هم اشاره کرد. بنا بر گزارش اتحادیه صنایع و ساختمان آلمان، کارگران این بخش از صنعت به‌طور میانگین ۱۴۶۸ ساعت در سال کار می‌کنند که این حجم از کار ۱۳۸ ساعت بیش‌تر یا به عبارتی ۱۰/۴ درصد بیش از میانگین ساعت کاری در دیگر صنایع است. اضافه کاری هم موضوعی است که در دستور کار روزانه قرار دارد. فقط تعداد اندکی از کارگران می‌توانند بدون پرداخت هزینه اضافی یا کاستی‌های مقرری بازنشستگی به بیمه تأمین اجتماعی، خودشان را بازنشسته کنند. این موضوع به‌ویژه در مورد کارگران سقف‌زن - سازندگان سقف و بام - بیشتر صدق می‌کند. در حال حاضر یک‌دهم کارگرانی که بین ۶۰ تا ۶۵ سال سن دارند هنوز مشغول به کار هستند. اگر جبهه سرمایه به مخالفت در افزایش دستمزدها ادامه دهد، نگاه کارگران دلیل درست و قانع‌کننده‌ای برای دست کشیدن از کار دارند، زیرا اعتصاب بهترین سلاح ممکن برای به‌دست آوردن حداقل برخی از آن ارزش‌هایی است که با کارشان به‌وجود آورده‌اند.

[ترجمه از روزنامه "عصر ما"، نشریه حزب کمونیست آلمان (د. کا. پ)، ۹ مهرماه ۱۴۰۰]

<https://www.unsere-zeit.de/trippelschritte-ins-jahr-2104-161131>



## کارگران صنعت ساختمان سازی آلمان خواهان افزایش مزد و پایان دادن به نابرابری مزدی هستند!

جبهه سرمایه با اعمال تبعیض مزدی در صف‌های طبقه کارگر تفرقه ایجاد می‌کند!

مهر و نشان مبارزات کارگری بر پیشانی صنعت ساختمان‌سازی آلمان حک شده است. در هفته‌های اخیر و برای پنجمین بار، مذاکرات مزدی به نتیجه مطلوب نرسیده و از جانب کارفرمایان به شکست کشانده شده است. کمیسیون تعیین دستمزد اتحادیه صنایع و ساختمان آلمان (ای. گ. ب. آ. یو) به هیئت‌مدیره اتحادیه پیشنهاد داد که به هیئت‌داوران فراخوان داده شود و هم‌زمان درخواست کرد، در صورت عدم توافق بر سر افزایش دستمزد، اعتصاب در دستور کار سندیکا قرار گیرد.

اتحادیه صنایع و ساختمان آلمان در شرایط کنونی خواهان افزایش ۵/۳ درصد دستمزد برای ۸۹۰۰۰ کارگر شاغل در این صنعت و یکسان‌سازی دستمزد کارگران در شرق و غرب آلمان است. جبهه سرمایه با توجه به زمینه و امکان‌های بسیار عالی اقتصادی‌ای که برایش مهیا شده، سودهایی سرشار کسب کرده است و اکنون از انجام مذاکرات جدی برای افزایش دستمزد کارگران امتناع می‌کند.

همچنین اتحادیه کارگران خواهان پرداخت هزینه سفر رفت‌وبرگشت کارگران از طرف پیمان‌کاران است. اما پیمان‌کاران ساختمانی در برابر این خواست به‌حق مقاومت می‌ورزند. کارفرمایان شرط بازگشت به میز مذاکره را بازپس‌گیری پیشنهاد مطرح شده از طرف اتحادیه می‌دانند. پیمان‌کاران فکر می‌کنند به‌شیوه اربابان هرچه می‌خواهند می‌توانند به اتحادیه دیکته کنند و اتحادیه هم به خواست پیمان‌کاران باید گردن بزند. از سوی دیگر، اصل دستمزد مساوی در برابر کار مساوی را جبهه سرمایه به‌معنای برابرسازی جامعه تلقی کرده با یکسان‌سازی دستمزد کارگران شرق و غرب آلمان مخالفت می‌کند. در حال حاضر میانگین دستمزد ماهیانه ناخالص یک کارگر تمام‌وقت در غرب آلمان برابر است با ۳/۳۵۵ یورو. در حالی که دستمزد همان کارگر در شرق آلمان ۲/۷۱۳ یورو است. در سال ۲۰۱۱ میانگین دستمزد ناخالص ماهانه یک کارگر تمام‌وقت در غرب آلمان ۲/۶۹۱ یورو و در شرق ۱/۹۷۲ یورو بود، حاصل این تفاوت و تبعیض در پرداخت دستمزد، برابر با ۷۱۹ یورو در ماه بود و در حال حاضر این شکاف و

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۵۲

Nameh Mardom - Workers Supplement No.52

8 Nomer 2021

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

